

تجربه جدید در ترکیه؛ تقابل گفتمان‌ها

محمود واعظی*

چکیده

ترکیه امروز حاوی بازیگران متعددی است که حوزه‌های تاریخی، فرهنگ و حتی فلسفه و اندیشه سیاسی قرن بیستم را دربرمی‌گیرند و در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی تأثیرگذارند. از این‌رو درک تحولات جدید این کشور با اتکاء به تحلیل‌های تک متغیره و یا مبتنی بر روابط یک طرفه ممکن نیست. مقاله حاضر مراحل مختلف، منابع متنوع، چالش‌ها و نیز مناسباتی را مطرح می‌کند که در آن عرصه‌ها و سیاست خارجی، خاص یک دولت اسلام‌گرا در حال شکل‌گیری است. البته هنوز زود است که درباره خواص اصلی این سیاست خارجی سخن برانیم، اما مشخص است که گسترش روابط با جهان اسلام و نیز کوشش‌ها برای آشتی مجدد با جنبه‌هایی از عثمانی‌گری، جایگاه بلندی در آن خواهد داشت و بدین ترتیب منابع این سیاست خارجی جدید را می‌توان آمیزه‌ای از اسلام‌گرایی ترکی و یک ملیت‌گرایی سنت‌مآبانه ترکی دانست.

کلید واژه‌ها

ترکیه، حزب عدالت و توسعه، گفتمان کمالیزم، گفتمان اسلام‌گرایی

* معاون پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک

مناسبات داخلی و خارجی ترکیه را با برخی

تغییرات غیرقابل بازگشت مواجه نماید.

ترکیه در دوران آتاتورک

ترکیه پس از فروپاشی امپراتوری

عثمانی همواره دستخوش فراز و نشیب‌های

فراوان در صحنه سیاست داخلی شده است.

ترکیه جدید حاصل ضعف مفرط امپراتوری

عثمانی بود که با ظهور جنبش مشهور به

ترک‌های جوان و آموزه‌های مصطفی کمال

پاشا، معروف به آتاتورک، در سال ۱۹۲۳،

تشکیل شد. طی ۱۵ سال رهبری آتاتورک بر

جمهوری ترکیه، تلاش فراوان شد تا با تغییر

خط به لاتین و جایگزین کردن فرهنگ غربی

به جای فرهنگ اسلامی - سنتی، هویت

جدیدی از ترکیه شکل گیرد. از همین رو،

هدف اصلی آتاتورک حاکم کردن راهبرد و

مشی لائیسزم و سکولاریسم بر ترکیه،

بی‌محتوا کردن اسلام و منطبق نمودن آن با

دولت مدرن ترکیه بود.^۱

مشخصه این دوران استفاده از

روش‌های غیر دموکراتیک و اقتدارگرایی

سیاسی - نظامی بود. تلاش برای غیرمذهبی

کردن جامعه را می‌توان یکی از اهداف مهم

آتاتورک تلقی کرد. در راستای غیر مذهبی

حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه با

پیروزی در انتخابات پارلمانی ترکیه و متعاقب

آن کسب آرای لازم برای انتخاب عبدا... گل

به عنوان رئیس جمهور این کشور، توانست

برای نخستین بار مقام‌های ریاست جمهوری،

نخست‌وزیری و کنترل اکثریت پارلمان را به

طور هم‌زمان در اختیار بگیرد. این پیروزی‌ها

با توجه به روحیه مسامحه ناپذیر نظامیان در

ترکیه و همچنین سرنوشت ناخوشایند

دولت‌های ناهماهنگ با اصول کمالیسم در

گذشته، حاکی از توانمندی بالای این حزب

در مدیریت و کنترل شرایط جاری است. این

تحول مهم در عرصه سیاسی ترکیه موجب

شده است که ایالات متحده آمریکا و اتحادیه

اروپا در روابط خود با ترکیه در برابر یک

وضعیت متناقض گونه قرار گیرند. از یک سو

غرب در پی آن است که تجربه دموکراسی در

ترکیه را تجربه‌ای موفق نشان داده و

اسلام‌گرایی نرم و معتدل در این کشور را به

مثابه الگویی برای جهان اسلام معرفی نماید

و از سوی دیگر این نگرانی وجود دارد که

دولت اسلام‌گرای جدید در ترکیه، با

بهره‌گیری از فضای موجود، به تدریج

کردن جامعه، آتاتورک اقدامات فراوانی انجام داد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- ممنوعیت استفاده از لباس‌های مذهبی و فعالیت طریقت‌ها و گروه‌های اسلامی در سال ۱۹۲۵؛
- جایگزین شدن تقویم میلادی به جای تقویم هجری در سال ۱۹۲۸؛
- تعطیلی رسمی روز یکشنبه به جای روز جمعه؛
- برچیده شدن عبارات مذهبی از سردر اماکن عمومی در سال ۱۹۲۷؛
- اعلام مصوبه دولت در سال ۱۹۳۲، در راستای الزامی کردن قرائت اذان و نماز به زبان ترکی و نگارش و انتشار قرآن به زبان ترکی و...^۲

پیشینه فعالیت اسلام‌گرایان در حکومت ترکیه

در مجموع، می‌توان گفت که هدف تفکر کمالیسم جدا کردن ترکیه جدید از ریشه‌های اسلامی، میراث تاریخی و موقعیت جغرافیایی‌اش بود. طبیعی بود که دوران اقتدار گرایی نظامیان و کمالیست‌های افراطی برای همیشه نمی‌توانست پایدار باشد. در سال ۱۹۵۲، جنبش دموکراسی راست‌گرا با محوریت حزب دموکرات به رهبری عدنان مندرس به قدرت رسید و به مدت ۸ سال حکومت کرد. در این دوره، اقدامات اصلاحی و دموکراسی‌سازی به ویژه آزادسازی فعالیت‌های دینی با استقبال گسترده مردم ترکیه مواجه شد. در این دوره، نظامیان که خود را حافظ اهداف و آرمان‌های آتاتورک می‌دانستند و سیاست‌های دولت را مغایر با آموزه‌های کمالیسم می‌دیدند، از کلیه ابزارها برای سقوط این دولت استفاده کردند، تا اینکه در سال ۱۹۶۰، با کودتای نظامی و اعدام عدنان مندرس به عمر این دولت پایان دادند. در این زمان، همه نیروهای اسلام‌گرا در زیر چتر حزب دموکرات پناه گرفته بودند. این پیروزی به اسلام‌گرایان آموخت که دموکراسی ممکن است چارچوب برتری برای حرکت و نفوذ در دیواره‌های آهنین کمالیسم و حزب آن یعنی حزب جمهوری خواه خلق (به رهبری عصمت اینونو) و نهادهای نظامی و طبقه بوروکراتیک عالی رتبه در سایه قانون اساسی‌ای باشد که هرگونه فعالیت دینی یا نژادی را ممنوع کرده است. سیاست‌های مندرس باعث شد تا توازنی در سکولاریسم

ترکیه ایجاد شود و فضای تنفسی برای اسلام‌گرایان فراهم شود. مندرس در برابر اسلام‌گرایان گزینه‌ای را مطرح کرد که در گذشته وجود نداشت و اسلام‌گرایان حتی در دهه‌های بعد هم نتوانستند آلترناتیو دیگری برای آن جست‌وجو کنند. این گزینه عبارت بود از این‌که: در حالی که چارچوب‌های قانون اساسی سکولار، از ترویج سیاسی اسلام به صورت آشکار از سوی گروه‌هایی از مردم و احزاب اسلامی ممانعت می‌کند، می‌تواند در پایه‌ها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تغییر و تحول صورت گیرد.^۳ با گسترش فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی اسلام‌گرایان، زمینه مناسبی برای شروع فعالیت سیاسی آنها فراهم شد. در چنین شرایطی بود که در سال ۱۹۷۰، نجم‌الدین اربکان، که رابطه تشکیلاتی با اخوان المسلمین داشت، با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، حزب نظام ملی را تشکیل داد و در سال ۱۹۷۲، حزب سلامت ملی را جایگزین آن کرد. این حزب طی سال‌های فعالیت خود در مناطق مختلف ترکیه در میان مسلمانان معتقد گسترش یافت، اما فعالیت‌های آن پس از کودتای دوم نظامیان در سال ۱۹۸۰، متوقف شد و

تبلیغات وسیعی علیه رهبران و پیروان این حزب، در جهت تخریب آنها صورت گرفت. چندگانگی قومی، نژادی و مذهبی ترکیه، رویکرد مسالمت‌جویانه آرمان‌های تحول‌خواه اسلام‌گرایان را تقویت کرد. زیرا گزینه‌های دیگر به دلیل پیامدهای مخاطره‌آمیزشان در عرصه وحدت و تمامیت ارضی این جامعه بسیار دشوار و ناممکن می‌نمود. به موازات فعالیت‌های فکری و اجتماعی و سپس اقتصادی نیروهای اسلام‌گرای ترکیه، احزاب با مشی اسلامی می‌کوشیدند، علی‌رغم امکانات محدود برای فعالیت، سهم خود را در ایجاد تحولات سیاسی، هر چند به شکل محدود، ایفا کنند. گفتنی است که اسلام سیاسی در طول نیمه دوم قرن بیستم در میان احزاب راست و سکولار ترکیه از حضور تأثیرگذاری برخوردار بود. درست از همین‌رو بود که احزاب سه‌گانه اربکان، یعنی حزب نظام ملی (۱۹۷۰)، حزب سلامت ملی (۱۹۷۲) و حزب رفاه (۱۹۸۳)، پا به عرصه وجود گذاشتند. تجربه احزاب یاد شده در زمینه ورود به بازی‌های سیاسی از قبیل انتخابات پارلمانی یا شهرداری‌ها و نیز مشارکت در ائتلاف‌های

حکومتی، همراه با پایبندی به قواعد دموکراتیک بسیار کم نظیر بود.^۴

نقش سیاست‌های اوزال در فعالیت نیروهای اسلام‌گرا

اصلاحات اقتصادی تورگوت اوزال، نخست‌وزیر و رئیس جمهور فقید ترکیه، با استقبال گسترده داخلی و خارجی مواجه شد. اوزال توانست از تحولات منطقه به ویژه شرایط حاکم بر جنگ ایران و عراق و نیز فروپاشی شوروی و ارتباط با جمهوری‌های تازه استقلال یافته، حداکثر بهره را ببرد. اصلاحات اقتصادی در این دوره موجب شد فضای سیاسی و فرهنگی جامعه ترکیه بازتر شود. سیاست‌های اوزال تا زمان مرگش ادامه یافت و مردم ترکیه همواره از آنها به عنوان گامی موفقیت‌آمیز در پیشرفت ترکیه یاد می‌کنند. در دوران اوزال، حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری اربکان تشکیل شد.^۵

تحلیل‌گران بر این نکته اتفاق نظر دارند که سیاست‌های آزادسازی اقتصادی اوزال در دهه ۱۹۸۰، در تقویت بنیان‌های اقتصادی اسلام‌گراها و ظهور بنگاه‌های اقتصادی وابسته به آنها یا سرمایه سبز آناتولی نقش

بسیار کلیدی داشته است. افزون بر این، سیاست‌های فرهنگی اوزال به خصوص در مورد کاهش محدودیت مظاهر اسلامی موجب رشد فعالیت اسلامی در جامعه ترکیه شد. اوزال با سیاست‌های فرهنگی خاص خود خدمت زیادی به اسلام‌گرایان کرد. رشد فارغ‌التحصیلان مدارس امام خطیب از ۲۶۸۸ نفر در سال ۱۹۷۳، به ۳۹۹۷۰ نفر در سال ۱۹۸۸، افزایش پیدا کرد. همچنین ساخت سالانه ۱۵۰۰ مسجد طی دهه ۱۹۸۰، باعث شد نسبت مساجد به جمعیت به رقم ۱ به ازای هر ۸۵۷ نفر برسد. افزایش تعداد مساجد از ۵۴۶۶۷ مسجد در سال ۱۹۸۷، به ۶۲۹۴۷ مسجد در پایان سال ۱۹۸۸ و دادن مجوز چاپ برای انتشار ۴۰۵۷۹۴۲ جلد قرآن توسط وزارت دیانت، جزء فعالیت‌های دولت اوزال بود.^۶ این تحولات شرایط را بیش از پیش برای فعالیت‌های سیاسی نیروهای اسلام‌گرا فراهم ساخت.

موانع دولت اربکان

در دوران حاکمیت اوزال، حزب اسلام‌گرای رفاه به رهبری اربکان تشکیل شد و با موفقیتی که در انتخابات پارلمانی کسب

کرد، توانست در سال ۱۹۹۶، یک دولت ائتلافی با مشارکت حزب راه راست (به رهبری تانسو چیللر)، و نخست وزیری اربکان تشکیل دهد. دستیابی یک حزب اسلام‌گرا به قدرت از نگاه اکثر تحلیل‌گران مسائل ترکیه در آن زمان یک رویداد مهم به شمار می‌رفت. دولت اربکان با کارشکنی‌های گسترده داخلی به ویژه از سوی نظامیان و لائیک‌ها و با مخالفت دولت‌های غربی مواجه شد. اکثر کشورهای غربی حاکمیت یک حزب اسلامی بر ترکیه را با توجه به شرایط منطقه و همجواری با جمهوری اسلامی ایران بر نمی‌تابیدند و لذا مخالفت نظامیان به سقوط زود هنگام دولت اربکان منجر شد که برخی از آن به نام کودتای سفید نام می‌برند. دادگاه قانون اساسی ترکیه حزب رفاه را منحل کرد و نجم‌الدین اربکان و رجب طیب اردوغان، به عنوان رئیس و معاون حزب رفاه زندانی شدند، ولی اربکان پس از مدتی از زندان آزاد شد و فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. کنار گذاشتن حزب رفاه از قدرت، با توجه به نگرش‌های تنگ نظرانه نظامیان در ترکیه نسبت به دولت‌های غیر همسو، از سابقه‌ای طولانی برخوردار بود و چندان

عجیب به نظر نمی‌آمد. به هر حال، این نکته که نیروهای مذهبی روزی امور سیاسی را در دست گیرند، مهم‌ترین نگرانی نخبگان کمالیست از زمان تاسیس جمهوریت در سال ۱۹۲۳، به شمار می‌رفته است. نسل‌های بعدی نخبگان غیر مذهبی طرفدار مشی کمالیسم، همواره به اسلام به عنوان یک مانع در راه اهداف مورد نظر خود می‌نگریستند و آن را یک تهدید جدی نسبت به حاکمیت سیاسی مرکزی تلقی می‌کردند.^۷

پس از انحلال حزب رفاه، حزب اسلام‌گرای فضیلت به رهبری رجایی کوتان تشکیل شد. نظامیان ترکیه ظهور این حزب را نیز تحمل نکردند و دادگاه قانون اساسی ترکیه حزب فضیلت را غیرقانونی و منحل اعلام کرد. در این زمان میان دو گروه، محافظه‌کاران حزب به رهبری رجایی کوتان و اصلاح‌طلبان حزب به رهبری عبدا... گل که خود از نزدیکان اربکان بود، در ارتباط با فهم اسلام و تفسیر و برداشت از آن در خصوص مسائل سیاسی و فرهنگی روز جامعه ترکیه، اختلاف نظر به وجود آمد. این امر منجر به تشکیل دو حزب اسلامی سعادت با گرایش‌های محافظه‌کارانه به رهبری رجایی

لائسیسم در دولت ترکیه را که به منزله مخالفت با مذهب می‌باشد، به سوی سکولاریسم و قبول مذهب در حوزه خصوصی افراد جامعه سوق دهد.

هر چند دولت اردوغان تلاش کرد با در پیش گرفتن مشی اعتدال، با نظامیان، کمالیست‌ها و مخالفین خود درگیر نشود، اما با اتمام دوره ریاست جمهوری احمد نجات سزر و مطرح شدن نامزدی عبدا... گل از سوی حزب عدالت و توسعه، برای کسب مقام ریاست جمهوری، احزاب لائیک و نظامیان به مخالفت با این امر برخاستند. نمایندگان احزاب لائیک در زمان رأی‌گیری در پارلمان جلسه را ترک کردند و بدین ترتیب، چالشی جدی در صحنه سیاسی ترکیه پدید آمد که به انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زود هنگام منجر شد. با این همه، حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ژوئیه ۲۰۰۷ نیز توانست به پیروزی چشم‌گیری دست یابد.

علل پیروزی مجدد در انتخابات

برخی تحلیل‌گران پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ را به دلیل ضعف دولت‌های پیشین در مدیریت ترکیه، یک

کوتان و حزب عدالت و توسعه با گرایش اصلاح‌طلبانه به رهبری اردوغان و عبدا... گل گردید.

پیروزی حزب عدالت و توسعه

مشکلات اقتصادی ترکیه و ضعف دولت‌ها موجب شد که انتخابات زود هنگام پارلمانی در سال ۲۰۰۲، برگزار شود. در این زمان حزب عدالت و توسعه در انتخابات برخی از مناطق شهرداری‌ها موفقیت‌هایی کسب کرده بود و در شهرداری استانبول عملکرد بسیار خوبی ارائه داده بود. عملکرد موفق و شعارهای اعتدال‌گرایانه این حزب موجب شد تا در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲، پیروزی چشمگیری نصیب آن شود. این حزب موفق شد با کسب ۳۴/۲ درصد آرا، ۳۵۳ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان را به دست آورد و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب اقدام به تشکیل دولت کرد. مشی این دولت پس از به قدرت رسیدن در ارتباط با مسائل داخلی و خارجی اعتدال و میانه‌روی بوده است. در ارتباط با مسائل دینی و اسلامی، دولت اردوغان تلاش کرده است به تدریج مشی

حادثه اتفاقی قلمداد کردند. اما پیروزی مجدد اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی اخیر و موفقیت آنها در تصاحب کرسی ریاست جمهوری را باید یک تحول سیاسی و اجتماعی عمیق تلقی کرد که مهمترین پیام آن از یک سو، مردود دانستن مشی کمالیسم و انحصارطلبی نظامی‌ها و از سوی دیگر، پذیرش سیاست‌هایی است که با باورهای فرهنگی، دینی، سنتی و هویتی مردم سازگاری بیشتری دارد. حزب عدالت و توسعه با همه مخالفت‌ها و چالش‌هایی که از سوی احزاب رقیب با آنها مواجه بود، توانست در انتخابات ژوئیه ۲۰۰۷، بیش از ۴۶/۵ درصد از کل آرای مردم را کسب کند؛ یعنی ۱۲ درصد بیشتر از انتخابات سال ۲۰۰۲، از مقبولیت عمومی برخوردار شد و به لحاظ تعداد، ۵ میلیون رأی بیشتر کسب کرد و موفق شد ۳۴۱ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد. حزب جمهوری‌خواه خلق با کسب ۹۹ کرسی در جایگاه دوم و حزب اقدام ملی با کسب ۷۲ کرسی در جایگاه سوم قرار گرفتند. بعضی از احزاب قدرتمند گذشته مانند مام میهن و راه راست نتوانستند وارد پارلمان شوند. پیروزی حزب عدالت و توسعه از این منظر نیز حائز اهمیت است که

این حزب توانست در ۷۳ استان از ۸۳ استان ترکیه بالاتر از دو حزب رقیب خود قرار گیرد. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه آرای این حزب در ۳۹ استان بیش از ۵۰ درصد کل آرا بود و توانست بیشترین درصد آرا را در برخی از استان‌های کردنشین جنوب شرق ترکیه به خود اختصاص دهد.^۸ حزب عدالت و توسعه که در این دوره دولت، پارلمان و ریاست جمهوری را در اختیار دارد، با قدرت بیشتری می‌تواند اهداف و برنامه‌های خود را به پیش ببرد. پیروزی قاطع این حزب در انتخابات اخیر ریشه در عملکرد موفق و سیاست‌های ۵ سال گذشته دولت اردوغان در حوزه‌های مختلف دارد. اکنون به نظر می‌رسد دولت در شرایط جدید با قدرت بیشتری بتواند سیاست‌های خود را استمرار بخشد. برای آگاهی از این سیاست‌ها، برخی از آنها را که از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند، مورد توجه قرار خواهیم داد.

سیاست‌های اقتصادی

در سال ۲۰۰۲، که دولت اردوغان به قدرت رسید، ترکیه دارای وضعیت اقتصادی نامناسبی بود. دولت اردوغان با اتخاذ سیاست اصلاحات اقتصادی از جمله خصوصی‌سازی، تعامل بیشتر در روابط خارجی و همراهی با

اقتصاد جهانی، توانست در مدت ۵ سال
 تحولات مهمی در اوضاع اقتصادی ترکیه
 ایجاد کند و با تقویت اقتصاد ترکیه، رضایت
 عمومی را جلب کند. برخی از سیاست‌ها و
 عملکردهای اقتصادی دولت اردوغان را
 می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:^۹
 بین‌المللی؛

– جذب سرمایه خارجی از طریق
 خصوصی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی، به ویژه
 در عرصه صنایع مرتبط با نفت و گاز،
 بانکداری و بنادر بزرگ؛
 – افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری
 نهادهای دولتی و عمومی در برابر شهروندان؛
 – کاهش محسوس فساد اداری و مالی در
 بدنه حکومت.^{۱۰}

سیاست‌های داخلی:

– کنترل مؤثر تورم و تک رقمی کردن آن
 (نرخ تورم در سال ۲۰۰۴ به ۹/۳ درصد
 کاهش یافت که این رقم طی ۳۰ سال
 گذشته در تاریخ ترکیه بی‌سابقه بوده است.
 در حالی که در سال‌های آغازین سده جدید
 میلادی نرخ تورم در ترکیه سه رقمی بوده
 است)،

– کاهش نرخ بیکاری تا ۱۰ درصد؛
 – افزایش ارزش پول ترکیه (لیر) در
 مقابل ارزهای خارجی؛
 – افزایش درآمد سرانه ملی ترکیه به
 حدود ۷۴۰۰ دلار؛
 – استمرار رشد تولید ناخالص داخلی به
 صورت معدل ۶ درصد در سال‌های اخیر؛
 دولت اردوغان تلاش کرد در سیاست
 داخلی خود از یکسویه‌نگری پرهیز کند و
 خواست‌ها و مطالبات گروه‌های مختلف را نیز
 مدنظر داشته باشد. این دولت تلاش کرد
 سیاست‌های اعلامی خود را مبنی بر رعایت
 حقوق بشر و حق شهروندی، لغو مجازات
 اعدام، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های
 قومی و دینی، رفع تبعیض‌های جنسیتی و
 کاهش نقش نظامیان در حکومت و
 مسئولیت‌های اجرایی را تا حد امکان تحقق
 بخشد. اجرای این سیاست‌ها باعث شد تا
 افکار عمومی، دولت اردوغان را دموکرات و

قانون‌گرا تلقی کند. کادرهای ارشد حزب عدالت و توسعه به خوبی می‌دانستند که سیاست‌های کمالیست‌ها طی سال‌های گذشته دو گروه از جامعه ترکیه را به شدت ناراضی کرده است؛ این دو گروه عبارت بودند از کردها و توده‌های مذهبی. انجام اصلاحات توسط اردوغان در گرایش گروه‌های ناراضی به سوی حزب عدالت و توسعه تأثیر بسزایی داشت.

مخالفت کردها، که از سوی دولت‌های قبلی ترک‌های کوهی نامیده می‌شدند، در نتیجه سیاست‌های مزبور کاهش پیدا کرد. نتیجه اعمال این سیاست در انتخابات اخیر تبلور یافت، به گونه‌ای که حزب عدالت و توسعه بیشترین آرای خود را در مناطق کردنشین و مناطقی کسب کرد که اقلیت‌های دینی (علوی‌ها و طریقت‌های مذهبی)، در آنها زندگی می‌کنند. دولت اردوغان نخستین دولتی بود که طی چند دهه اخیر حالت فوق‌العاده را در مناطق کردنشین ترکیه لغو کرد، اما در عین حال در مقابل گرایش‌های جدایی‌طلبانه کردها به شدت ایستاد.^{۱۱}

دولت اردوغان ضمن مخالفت با اسلام‌رادیکال، از تمایلات اسلامی جامعه حمایت می‌کند. برای مثال، حجاب اسلامی بانوان و فعالیت مدارس مذهبی امام خطیب از جمله موضوعاتی است که مورد حمایت دولت می‌باشد. اما نهادهای قانونی تحت نظر لائیک‌ها همواره مانع اجرای برنامه‌های اصلاحی دولت از جمله در دو مورد فوق بوده‌اند. در مجموع، می‌توان گفت که بر اثر اصلاحات صورت گرفته در ترکیه، شورای امنیت ملی ترکیه که طی چند دهه گذشته هدایت‌کننده اصلی سیاست خارجی ترکیه بوده است، از یک نهاد دارای قدرت خاص به یک نهاد صرفاً مشورتی تبدیل شده و نقش و حضور نظامیان در آن کاهش پیدا کرده است. برخلاف گذشته، دبیر کل این شورا را شخص نخست وزیر و نه ارتش تعیین می‌کند. افزون بر این، اصلاحات حقوقی و قانونی، نهادهایی همچون دادگاه‌ها و رادیو و تلویزیون ترکیه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ترکیه پروتکل‌های ششم و نهم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را امضا کرده و براساس آن ضمن لغو حکم اعدام، استقلال قوه قضائیه را افزایش داده است. افزون بر این، در وضعیت

فوق‌العاده اعلام شده در استان‌های کردنشین، به بهانه مبارزه با تروریسم تجدیدنظر شده، با حذف دادگاه‌های امنیتی از قدرت پلیس و نظامیان کاسته شده و به قدرت قوه قضائیه افزوده شده است. در وضعیت کردها نیز بهبود قابل ملاحظه‌ای حاصل شده است. وضعیت اضطراری در چند استان جنوب شرقی که طی چندین سال ادامه داشت، لغو شده و اجازه پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان کردی (برای اولین بار در تاریخ جمهوری ترکیه) داده شده است.^{۱۲}

بازسازی هویت ملی و اسلامی

در زمان جنگ سرد، ترکیه هویت سیاسی خود را به عنوان جزئی از بلوک غرب و در تقابل با اتحاد جماهیر شوروی تعریف می‌کرد. بعد از جنگ سرد، کمالیست‌ها تلاش کردند پان ترکیسم را جایگزین کمالیسم کنند. با گذشت سال‌های طولانی، عملاً مردم ترکیه با روش‌های مختلف از جمله انتخابات اخیر نشان دادند که این سیاست‌ها برگرفته از فرهنگ غنی ترکیه نمی‌باشد و به همین دلیل رغبتی به آن نشان ندادند و همواره به دنبال احیای فرهنگ اسلامی برای مرهم

نهادن بر زخم‌های هویتی خود بودند. بنابراین، گرایش به اسلام به عنوان مهمترین گزینه همواره در جامعه ترکیه مطرح بوده است. سیاست‌های هویتی کمالیست‌ها حداقل چهار گروه را ناراضی کرده بود: اسلام‌گرایان، کردها، علوی‌ها و نوعثمانی‌گرایان (که در صدد احیای خلافت اسلامی هستند). مردم ترکیه اصولاً خواهان حفظ هویت اسلامی خود می‌باشند. حضور اتباع ترک در برخی از کشورهای غربی و تأکید آنان بر حفظ فرهنگ خود و رعایت شعائر اسلامی نمونه‌ای از اصالت فرهنگی و دینی‌شان می‌باشد. تحولات جهانی و باز شدن فضای سیاسی ترکیه در دو دهه گذشته، زمینه مناسبی را برای تضعیف تفکر کمالیسم و مطالبات جدید در جامعه به وجود آورد. به قدرت رسیدن اوزال با مشی کاملاً اقتصادی و دولت ائتلافی حزب رفاه به نخست‌وزیری اربکان، مقدمه‌ای برای تحولات آتی بود. هر چند دولت اربکان با کودتای سفید لائیک‌ها متوقف شد، اما اسلام‌گرایی در افکار عمومی مردم نه تنها خاموش نشد بلکه همواره در حال پیشرفت بود. انتخابات سال ۲۰۰۲ و

پیروزی حزب عدالت و توسعه، انعکاس نوع مطالبات جامعه ترکیه می‌باشد.

عدالت و توسعه رأی دادند. رأی قاطع به این تفکر به معنی افول تدریجی تفکر کمالیسم می‌باشد که این خود بیانگر آن است که لائیسیم در ترکیه نمی‌تواند از پایگاه مردمی برخوردار باشد. تردیدی نیست که اقدامات دولت اردوغان در پنج سال گذشته در راستای احیای هویت اسلامی جامعه ترکیه، در پیروزی مجدد این حزب در انتخابات اخیر نقش بسزایی داشته است.

حزب عدالت و توسعه همواره تلاش کرده است با استفاده از تجربه اسلاف اسلام‌گرای خود در دولت و موانع موجود در نهادهای لائیک ترکیه و همچنین حساسیت‌های برخی کشورهای غربی نسبت به حاکمیت دولت اسلامی در ترکیه، تعریف جدیدی از اسلام سیاسی متناسب با شرایط ترکیه ارائه دهد تا با کمترین مزاحمت در مسیر حرکت خود مواجه شود. به همین جهت، این حزب

اتخاذ رویکرد اعتدالی

قدرت ارتش و نفوذ نهادهای لائیک، ریشه در تأسیس جمهوری ترکیه دارد و تجربه دهه‌های گذشته نشان داده است که ارتش در مواقعی بدون توجه به آرای مردم و حتی از طریق کودتا، امور را به سمت دلخواه خود هدایت می‌کند. برای نمونه، می‌توان به صدور بیانیه شدیدالحن ارتش و اقدام حزب جمهوری‌خواه خلق در تحریم جلسات پارلمان در بررسی نامزدی عبدا... گل برای ریاست جمهوری اشاره کرد که در نهایت به انحلال پارلمان، دولت و انتخابات زود هنگام منجر شد. آنچه می‌تواند فشارهای ارتش و نهادهای لائیک را خنثی کند، تداوم مشی

سعی کرده است از اسلام رادیکال فاصله بگیرد و در مقابل، کلیه اقشار و گروه‌هایی را به سوی خود جلب کند که مخالف اسلام نیستند. این حزب سعی کرده است با پذیرش انواع اندیشه‌ها، گرایش‌های متعددی را در خود جای دهد.

در انتخابات اخیر پارلمانی ترکیه، دو جبهه اسلام‌گرا از یک سو و طرفداران لائیسیم و کمالیسم از سوی دیگر، با همه امکانات خود در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده بودند. نتایج انتخابات نشان دهنده این واقعیت است که مردم ترکیه حتی در مقایسه با انتخابات سال ۲۰۰۲، ۱۲ درصد بیشتر به حزب

اعتدال و حمایت‌های مردمی می‌باشد. دولت اردوغان با بهره‌گیری از مشی میانه‌روی تلاش کرد تا در برابر نهادهای لائیک با

احتیاط بیشتری رفتار کند و درگیری و مقابله با این نهادها، به ویژه ارتش، را به حداقل ممکن برساند؛ حتی با اعمال برخی از سیاست‌ها سعی در جلب اعتماد آنها نمود. این موضوع از این حیث در جامعه ترکیه مهم است که همواره مردم از یک سو از درگیری دولت و نظامی‌ها نگران می‌باشند و از سوی دیگر از کاهش نقش ارتش در حکومت استقبال می‌کنند.

دولت اردوغان در دوره اول حکومت خود، پرهیز از افراط‌گرایی را در سر لوحه برنامه‌های خود قرار داده بود. این اقدام باعث شد بسیاری از اتهاماتی که گروه‌های مخالف به دولت اردوغان وارد می‌آوردند و امیدوار بودند تا بدین‌وسیله با کمک ارتش و نهادهای لائیک مانع از اجرای برنامه‌های آن شوند، خنثی گردد. حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی اخیر برای اثبات مشی اعتدالی خود، ۱۵۶ نفر از نمایندگان حزب در پارلمان قبلی را که گرایش‌های تند داشتند، از فهرست نامزدهای حزب حذف کرد و

چهره‌های شاخص سیاسی، دانشگاهی و تکنوکرات را که معروف به میانه‌روی می‌باشند، جایگزین آنها ساخت.^{۱۳}

مشی اعتدالی دولت در قبال اقلیت‌های قومی و مذهبی و استفاده از چهره‌های سالم با تفکرات سازنده و کسب اعتبار منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه حمایت مردم، این بار مانع از تقابل ارتش با دولت شده است. راجع به مشی اعتدال و پرهیز از تقابل در اسلام گرایان ترکیه، در راستای دست یابی نیروهای اسلام‌گرا به قدرت، ذکر این نکته مهم ضروری است که اسلام‌گرایان در روش خود به هیچ‌وجه حاضر نبودند به خشونت متوسل شوند. مسئله مهم، روش دست یابی حزب رفاه به قدرت و مهمتر از همه روش کناره‌گیری آنها از قدرت بود. بنابراین، اسلام‌گرایان هرگز کوشش نکردند با توسل به خشونت به قدرت دست یابند و یا با توسل به زور در قدرت باقی بمانند و یا هنگام حضور در حوزه قدرت، با زور دست به تحول بزنند.^{۱۴}

رویکرد معتدل حزب عدالت و توسعه در ماه‌های پایانی سال ۲۰۰۷ و در آغاز سال ۲۰۰۸، با توجه به رفتارها و اقدامات طرفداران دولت لائیک، تا حدودی از مسیر

میان‌روی خارج شد. دلیل این امر از یک سو اشتغال ارتش به سرکوب نیروهای پ.ک.ک در شمال عراق و سکوت کامل آمریکا در حمایت از حضور نظامیان در صحنه سیاست بود و از سوی دیگر این که نیروهای لائیک با وجود ضعف همه جانبه در سیاست ترکیه، باز هم دست از اقدامات ضد اسلام‌گرایانه خود بر نمی‌داشتند. مشخص‌ترین اقدام آنها دادخواست دادستان کل ترکیه علیه حزب عدالت و توسعه بود که بر مبنای آن، علاوه بر درخواست ممنوع شدن فعالیت‌های این حزب، از دادگاه قانون اساسی خواسته شده بود تا ۷۱ نفر از اعضای حزب حاکم ترکیه از جمله عبدالله گل، رئیس‌جمهور و رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر این کشور به مدت ۵ سال از مشاغل دولتی محروم شوند. دادگاه قانون اساسی هم تصمیم گرفت به این شکایت رسیدگی کند. این کوشش آشکارا سیاسی و نه حقوقی، از سوی عناصر لائیک، البته با واکنش انتقادی اروپا (انتقاد مجمع پارلمانی شورای اروپا از کوشش‌ها برای انحلال حزب عدالت و توسعه) و واکنش سرد آمریکا (دولت بوش) مواجه شد. کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، در واکنش به این اقدام عناصر لائیک، آن را به لحاظ حقوقی دارای نقص و ایراد و دارای استدلال ضعیف دانست. گفته می‌شود برخی از مشاوران رایس او را به حمایت ملایم از اردوغان ترغیب کرده‌اند.^{۱۵}

به نظر می‌رسد در ابتدای سال ۲۰۰۸، رهبران حزب عدالت و توسعه به دلیل موقعیت ضعیف نیروهای لائیک به این جمع‌بندی رسیده‌اند که لازم است اقدامات قاطع‌تری در برابر آنها اتخاذ شود و نمونه آن واکنش قدرتمندانه و شدیدی بود که دولت در برابر عناصر لائیک دخیل در این کار صورت داد.^{۱۶}

واقعیت آن است که نسل‌های اولیه لائیک، دیگر باز تولید اجتماعی نشده‌اند. آنها آمیزه‌ای از باورهای جزم‌گرایانه شبه مدرن و رفتارهای سخت بودند. لائیک‌های جوان روحیات گذشته و شیوه‌های رفتاری اسلافشان را ندارند. این نسل، تجارب، عقاید و رویه‌های گذشته را از دست داده است و توان و تمایل بازگشت به لائیسیم آتاتورک را نیز ندارد. اما در عین حال، آنها وزن اجتماعی - سیاسی قابل توجهی نیز به دست نیاورده‌اند. آنها در مقابل توده‌های سیاسی

شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، محیط استراتژیک جدیدی را در منطقه ایجاد کرد، به گونه‌ای که در حال حاضر برخی اختلاف دیدگاه‌ها میان آمریکا و ترکیه از یک سو و مانع تراشی‌های اتحادیه اروپا برای عضویت ترکیه از سوی دیگر، موجب تضعیف رویکرد ترکیه نسبت به غرب شده است.

سیاست نگاه به شرق

در سال ۱۹۹۶، با رسیدن اربکان به مقام نخست‌وزیری، وی تلاش کرد سیاست نگاه به شرق را جایگزین سیاست نگاه به غرب ترکیه کند. در دوران اربکان، روابط ترکیه با کشورهای اسلامی توسعه یافت و حاصل تلاش‌های دولت او تشکیل اجلاس سران ۸ کشور اسلامی تحت عنوان «دی - هشت» بود. دولت اردوغان با بهره‌گیری از تجربه دولت اربکان تلاش کرد، سیاست نگاه به شرق اربکان را در سیاست نگاه به غرب سنتی ترکیه ادغام کند و از مزایای هر دو آنها بهره گیرد. خط‌مشی اردوغان و عبدا... گل در عرصه سیاست خارجی، به ویژه در خصوص تنش‌زدایی در منطقه، گسترش روابط با کشورهای اسلامی، رویکرد جدید به

شده، نیروی اجتماعی قابل محاسبه‌ای نیستند. بدون زمینه اجتماعی مناسب، نخبگان سیاسی لائیک به مهره‌های سوخته بدل می‌شوند و حمایت از آنها به نتایج مفیدی برای دولت‌های غربی منجر نمی‌شود و شاید همین، رمز مواضع جسورانه‌تر دولت اردوغان در برابر آمریکا باشد؛ مواضع جسورانه‌ای که در جریان حمله نظامی اخیر ترکیه به شمال عراق تجلی بیشتری یافت، به نحوی که ترکیه اعلام کرد ملاقات‌های ولو معدود راس ویلسون، سفیر آمریکا در آنکارا، با رهبران کرد اپوزیسیون را حمایت از گروه پ.ک.ک تفسیر می‌کند.

سیاست خارجی ترکیه

شکل‌گیری دکترین ترومن در سال ۱۹۴۷، مبنی بر کمک به یونان و ترکیه در برابر گسترش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، ورود ترکیه به ناتو در سال ۱۹۵۲ و علاقه‌مندی این کشور به عضویت در اتحادیه اروپا، ترکیه را برای سال‌های طولانی در زمره متحدین آمریکا قرار داده بود. پیمان ناتو، نماد سازمانی اتحاد آمریکا و ترکیه در مواجهه با شوروی به شمار می‌رفت. فروپاشی

تحولات خاورمیانه، همکاری با اروپا و فعالیت‌های بین‌المللی، دست آوردهایی به دنبال داشته است. در واقع، دولت اردوغان پس از به قدرت رسیدن تلاش کرد با بهره‌گیری از رویکرد کلان سیاست خارجی دولت اربکان و با توجه به تحولات استراتژیک منطقه، یک سیاست خارجی چند وجهی اتخاذ کند. لذا روابط ترکیه با کشورهای همسایه و قدرت‌های آسیایی به ویژه روسیه، ایران، چین، هند و سوریه، گسترش یافت.

ترکیه و اتحادیه اروپا

حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، با نگرشی مثبت به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نگاه می‌کرد. شش هفته بعد از انتخابات نوامبر ۲۰۰۲، رجب طیب اردوغان اعلام کرد که هدف اصلی‌اش متقاعد کردن رهبران اروپا برای معین کردن «تاریخ مشخصی» برای شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا است. اردوغان به خوبی به آرزوی دیرینه مردم ترکیه مبنی بر پذیرفته شدن به عنوان شریکی برابر در اروپا واقف بود. همچنین حمایت حزب عدالت و توسعه از عضویت ترکیه در اتحادیه فوق «جنبه ابزاری» نیز

داشت. به عبارت دیگر، اردوغان می‌خواست از اتحادیه اروپا به عنوان یک ابزار استفاده کند. از آنجا که در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، اسلام‌گرایان با سیاست‌های سخت‌گیرانه سکولارها و کمالیست‌ها مواجه بودند و حزب رفاه و جانشینانش به حکم دادگاه تعطیل شدند، حزب عدالت و توسعه که اعضای آن را نسلی جوان و نوگراتر از اسلام‌گرایان حزب رفاه تشکیل می‌دادند، تصور می‌کردند عضویت در اتحادیه اروپا اهرم مناسبی برای مقابله با کمالیست‌ها می‌باشد. حزب عدالت و توسعه امیدوار بود تا از این طریق بتواند تکثرگرایی و دموکراسی را در ترکیه حفظ کند و مانع مداخله ارتش در سیاست شود. بنابراین، هدف اصلی حزب عدالت و توسعه در حمایت از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، در مرحله اول این است که از این اتحادیه به عنوان یک سپر محافظ در مقابل کمالیست‌ها استفاده کند.^۱

دیدگاه مشترکی در میان اعضای اتحادیه اروپا نسبت به عضویت ترکیه وجود ندارد. چشم‌اندازی که بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه را نگران می‌کند، ورود ۷۰ میلیون ترک مسلمان به این اتحادیه است.

به غیر از لهستان با جمعیت ۳۸ میلیونی، کل جمعیت کشورهای که از سال ۱۹۹۰ به عضویت اتحادیه اروپا در آمده‌اند، تقریباً به اندازه جمعیت ترکیه است. تفاوت فرهنگی و دینی مهمترین مانع در این راه به شمار می‌آید، هر چند این موضوع توسط رهبران کشورهای عضو بیان نمی‌شود و آنها همواره موضوعات دیگری را به عنوان عامل تأخیر در پذیرش ترکیه عنوان کرده‌اند.

اتحادیه اروپا تأکید دارد که دلیل اصلی عدم پذیرش ترکیه این است که آنکارا هنوز اصلاحات مورد نیاز برای کسب صلاحیت عضویت در این اتحادیه را به اجرا در نیاورده است. اما بسیاری از ترک‌ها این امر را تنها نوعی بهانه‌جویی می‌دانند، زیرا بلغارستان و رومانی علی‌رغم اینکه اقتصادشان دولتی و مبتنی بر اصول غیر بازاری است، به عضویت اتحادیه در آمده‌اند. همچنین برخی از کشورهای حوزه بالتیک و اروپای مرکزی و شرقی با وجود عدول از شاخص‌های وضع شده توسط اتحادیه اروپا برای پذیرش اعضا، به عضویت آن پذیرفته شده‌اند. شگفتی ترک‌ها از این است که علی‌رغم تلاش‌هایی که در ارتباط با اصلاحات داخلی و نیز تشویق مردم بخش ترک‌نشین قبرس در آوریل ۲۰۰۴، هنوز خود قصد ندارد یک کشور اسلامی را به عضویت خود در آورد و ادامه این وضع موجب تحقیر ترک‌ها می‌شود. در سال ۲۰۰۴، حدود دوسوم ترک‌ها از عضویت در اتحادیه اروپا حمایت می‌کردند، این میزان در حال حاضر به کمتر از نصف کاهش یافته است.^{۱۷} اعتقاد ترک‌ها مبنی بر اینکه اتحادیه اروپا در پذیرش عضویت آنها طفره می‌رود باعث تشدید حس ملی‌گرایی در مردم شده است و در نتیجه تمایل آنان به غرب کاهش یافته است. این شرایط موجب شده است که نخبگان ترک به دنبال طراحی استراتژی‌های نوینی در سیاست خارجی خود باشند.

روابط ترکیه و آمریکا

اتحاد بین آمریکا و ترکیه در سال‌های اخیر با توجه به تغییرات ژئوپولیتیک در

به غیر از لهستان با جمعیت ۳۸ میلیونی، کل جمعیت کشورهای که از سال ۱۹۹۰ به عضویت اتحادیه اروپا در آمده‌اند، تقریباً به اندازه جمعیت ترکیه است. تفاوت فرهنگی و دینی مهمترین مانع در این راه به شمار می‌آید، هر چند این موضوع توسط رهبران کشورهای عضو بیان نمی‌شود و آنها همواره موضوعات دیگری را به عنوان عامل تأخیر در پذیرش ترکیه عنوان کرده‌اند.

اتحادیه اروپا تأکید دارد که دلیل اصلی عدم پذیرش ترکیه این است که آنکارا هنوز اصلاحات مورد نیاز برای کسب صلاحیت عضویت در این اتحادیه را به اجرا در نیاورده است. اما بسیاری از ترک‌ها این امر را تنها نوعی بهانه‌جویی می‌دانند، زیرا بلغارستان و رومانی علی‌رغم اینکه اقتصادشان دولتی و مبتنی بر اصول غیر بازاری است، به عضویت اتحادیه در آمده‌اند. همچنین برخی از کشورهای حوزه بالتیک و اروپای مرکزی و شرقی با وجود عدول از شاخص‌های وضع شده توسط اتحادیه اروپا برای پذیرش اعضا، به عضویت آن پذیرفته شده‌اند. شگفتی ترک‌ها از این است که علی‌رغم تلاش‌هایی که در ارتباط با اصلاحات داخلی و نیز تشویق مردم بخش ترک‌نشین قبرس در آوریل

منطقه، زیاده‌خواهی‌های دولت آمریکا و به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، با مشکلات قابل توجهی مواجه شده است. شکی نیست که در شرایط جدید منطقه واشنگتن و آنکارا جهان‌بینی متفاوتی دارند و

منافع خود را از طریق راه‌های ناهمگونی تعریف می‌کنند. هیچ رویدادی بیشتر از جنگ عراق بر روابط ترکیه و آمریکا تأثیر مخرب نداشته است.

در سال ۲۰۰۲، اردوغان قبل از نشست سران اروپا در کپنهاگ از آمریکا دیدار به عمل آورد. علی‌رغم استقبال گرم دولت آمریکا از اردوغان، او موضعی مبهم و دو پهلو در مورد حمایت ترکیه از آمریکا در جنگ با عراق اتخاذ کرد. پس از سفر اردوغان، مذاکرات مفصلی میان مقامات ترک و آمریکایی از اوایل ژانویه ۲۰۰۳ شروع شد. مذاکرات تماماً حول این مسئله جریان داشت که آیا ترکیه به آمریکا در جنگ با عراق کمک خواهد کرد یا خیر؟ این مذاکرات دو ماه به طول انجامید، اما موفقیتی در بر نداشت. اردوغان به خوبی از این مسئله آگاه بود که حمایت از حمله آمریکا به عراق، به هیچ وجه به مصلحت آینده سیاسی حزبش

نمی‌باشد. لذا تصمیم‌گیری در مورد این مسئله را به پارلمان محول کرد. به هر حال، مسئله حمایت ترکیه از جنگ آمریکا علیه عراق با رأی اول مارس ۲۰۰۳ پارلمان ترکیه خاتمه یافت.

بدین ترتیب، ترکیه با درخواست آمریکا برای استفاده از پایگاه‌های ترکیه برای حمله به عراق مخالفت کرد. نه تنها ترکیه حاضر نشد پایگاه‌های خود را برای حمله به عراق در اختیار آمریکا قرار دهد، بلکه دولت ترکیه کلاً با شروع جنگ مخالف بود. اردوغان در دیدار با وزیر امور خارجه آمریکا در ترکیه، مخالفت ترکیه با جنگ آمریکا علیه عراق را چنین بیان کرد: «آتش خانه همسایه، به خانه دیگر نیز سرایت می‌کند، پس باید جلوی آن را گرفت». به این ترتیب، دولت آنکارا نهایت سعی خود را کرد تا از وقوع جنگ جلوگیری کند، اما با شروع جنگ، ترکیه سعی کرد از تبعات منفی سیاسی، اقتصادی و امنیتی ناشی از جنگ جلوگیری کند و در عین حال زمینه مناسبی را برای توجیه افکار عمومی منطقه جهت همکاری آتی با آمریکا در عراق به وجود آورد. چنانچه عبدالله گل طی اظهاراتی گفت: «ما در

فراوانی یافت و به عنوان اقدامی تحقیرآمیز و نشانه‌ای از خصومت آمریکا به خاطر عدم اجازه به نیروهای آمریکایی برای حمله به عراق از جبهه شمالی تلقی شد. وضعیت کرکوک نیز به طور بالقوه می‌تواند منبعی برای ایجاد مشکلات میان آنکارا و واشنگتن باشد.

در حال حاضر، می‌توان گفت دو چالش مهم بر روابط ترکیه و آمریکا حاکم است: یکی مسئله حمایت آمریکا از «پ.ک.ک» در شمال عراق که باعث شده است جامعه ترکیه به مخالفت با سیاست‌های آمریکا برخیزد. در همین راستا، پخش شایعاتی مبنی بر اینکه آمریکا اسلحه در اختیار شورشیان «پ.ک.ک» قرار می‌دهد، باعث شد نگرش مردم ترکیه به آمریکا به شدت منفی شود. نظرسنجی‌های اخیر در ترکیه نشان می‌دهد که اکثریت مردم از سیاست‌های آمریکا ناراضی هستند. در حالی که قبل از اعلام جنگ آمریکا علیه تروریسم، حدود ۵۲ درصد از مردم ترکیه به آمریکا خوشبین بودند. نظرسنجی موسسه «پیو» در ترکیه نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۶، فقط حدود ۱۲ درصد مردم ترکیه به دیده مثبت به آمریکا نگاه می‌کردند.^{۲۰} مسئله دوم مطرح

تهاجم به عراق مشارکت نکردیم و از این پس به خاطر منافع ترکیه همگام با آمریکا حرکت خواهیم کرد.» هدف ترکیه از موضع‌گیری‌های خود در رابطه با جنگ عراق این بود که منافع ملی خود را در چند موضوع از جمله حفظ تمامیت ارضی عراق، حقوق ترکمن‌ها، دریافت کمک اقتصادی و مشارکت در بازسازی عراق تضمین کند.^{۱۸} رویکرد متفاوت آمریکا و ترکیه نسبت به کردهای عراق یکی دیگر از زمینه اختلاف میان دو کشور می‌باشد. ترکیه از ترس از اینکه «پ.ک.ک» یک مأمون امن برای انجام حملات خود و یک منبع حمایت مردمی در میان کردهای عراق به دست آورد، چندین بار به شمال عراق حمله کرده است که آخرین آن طی چند ماه گذشته و در ابعادی بسیار گسترده‌تر صورت گرفت. چنین اقداماتی می‌تواند باعث وخیم‌تر شدن روابط ترکیه با آمریکا گردد. اعتراض شدید ترکیه در ژوئیه سال ۲۰۰۳ به آمریکا، یعنی زمانی که نیروهای عملیاتی ترکیه توسط آمریکا دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفتند، نمونه خوبی در این زمینه است.^{۱۹} این واقعه در رسانه‌ها و فضای سیاسی ترکیه بازتاب

شدن لایحه کشتار ارامنه در کنگره آمریکا به عنوان نسل‌کشی است که با به قدرت رسیدن دموکرات‌ها در کنگره، بسیار جدی‌تر هم شده است. ترکیه تلاش زیادی به خرج داد تا از طریق لابی‌های یهودی، مانع از مطرح شدن این لایحه در کنگره آمریکا شود، اما پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات کنگره این احتمال را قوت می‌بخشد که با فروکش کردن بی‌ثباتی‌ها در عراق، این لایحه در کنگره به طور جدی پیگیری شود. این دو چالش نگرانی‌های زیادی را برای ترکیه ایجاد کرده است و آینده روابط ترکیه و آمریکا را در سایه ابهام قرار داده است.^{۲۱}

واگرایی چشم‌اندازها و اختلافات موجود در روابط ترکیه و آمریکا بر روی افکار عمومی مردم ترکیه تأثیر منفی زیادی گذاشته است، به گونه‌ای که محبوبیت آمریکا در ترکیه به خصوص بعد از اشغال عراق به کمترین میزان خود رسیده است و روحیه ضد غربی در ترکیه افزایش یافته است.

رویکرد ترکیه به تحولات عراق

در دو دهه گذشته، ترکیه همواره نسبت به تحولات عراق، به ویژه در بخش کردنشین، بسیار حساس و نگران بوده است.

رویکرد ترکیه نسبت به تحولات عراق، برای همراهی یا عدم همکاری، از این زاویه قابل تحلیل و بررسی می‌باشد. همکاری ترکیه برای حل و فصل سیاسی بحران عراق با هدف دوام عراق جدید ضروری می‌باشد. مرزهای مشترک ترکیه و عراق در منطقه کردنشین دو کشور بسیار با اهمیت است. ترس از ظهور یک کردستان مستقل در عراق می‌تواند موجب بروز احساسات جدایی‌طلبانه ساکنان کردنشین جنوب شرق ترکیه گردد. بنابراین، ترکیه با هر تحولی که به نوعی منجر به تجزیه عراق شود، به شدت مخالف است. به همین جهت، ترکیه تنها کشوری بود که نسبت به امضای قانون اساسی موقت عراق اعتراض کرد. اعتراض ترک‌ها به موادی از قانون است که اختیارات فوق‌العاده‌ای به کردهای عراق می‌دهد. ترکیه بارها اعلام کرده است که با هر طرحی که به کردهای عراق اجازه خودمختاری یا استقلال در شمال این کشور را بدهد، به شدت مخالف است. نگرانی عمیق ترکیه در قبال اعلام استقلال کردها در شمال عراق دارای سه دلیل عمده می‌باشد:

عثمانی جدا شده است. به نظر می‌رسد تا زمانی که عراق یکپارچه باشد، ترکیه به همین ادعا بسنده خواهد کرد، اما اگر عراق تجزیه شود، ترکیه بر منافع تاریخی خود تأکید خواهد کرد.^{۲۳} موضوع دیگر بحث

حمایت ترکیه از ترکمن‌ها می‌باشد که از بهانه یگانگی فرهنگی فراتر رفته است.

حقیقت این است که طبق برآورد ترکیه، کنترل ثروت نفتی کرکوک که دارای ۴۰ درصد کل درآمدها و بخش بزرگی از تولید گاز طبیعی عراق است، احتمالاً می‌تواند در اختیار کردها قرار گیرد و زمینه تشکیل یک کشور کردنشین را تقویت نماید. در آینده، درگیری میان کردها و ترکمن‌ها بر سر کرکوک می‌تواند باعث دخالت ترکیه گردد.

روابط روسیه و ترکیه

تاریخ روابط روسیه و ترکیه همراه با رقابت شدید جنگ‌های متعدد بین روسیه و امپراتوری عثمانی در قرن هجدهم و رقابت در دوران جنگ سرد بوده است. به همین جهت، برای ترکیه اتحاد با ایالات متحده آمریکا و عضویت در ناتو امری ضروری بود تا

استقلال کردهای عراق ممکن است باعث ایجاد رویه و الگویی نامطلوب برای دیگر قومیت‌های کشورهای گوناگون منطقه و به ویژه اقلیت کردها در کشورهای دیگر و از جمله ترکیه شود و این امر می‌تواند به بروز بی‌ثباتی و هرج و مرج در این کشورها منجر شود.

نگرانی ترکیه از پایمال شدن حقوق و منافع ترکمن‌های عراق که با تشکیل دولت مستقل کردی ممکن است تشدید شود.

از دیدگاه حقوق و منافع تاریخی ترکیه، حفظ تمامیت ارضی عراق بسیار اهمیت دارد.^{۲۲} به دلایل فوق می‌توان گفت که در

میان احزاب و گروه‌های سیاسی ترکیه این اجماع وجود دارد که جلوگیری از تجزیه عراق، به ویژه تأسیس یک کشور مستقل کرد در شمال عراق، مهمترین اولویت می‌باشد. ترک‌ها همواره اعلام کرده‌اند که دارای منافع تاریخی در کرکوک می‌باشند و شمال عراق فعلی علی‌رغم مخالفت ترک‌ها، به موجب معاهده لوزان در سال ۱۹۲۳، از امپراتوری

بتواند با شوروی توازن ایجاد کند. البته آمریکا و کشورهای اروپایی نیز از ترکیه برای مهار شوروی حمایت می‌کردند. در دهه ۱۹۹۰، روسیه و ترکیه به دلیل موضوعات حساسی مانند بوسنی، کوزوو و چین، خود را در دو اردوگاه شدیداً متضاد با یکدیگر می‌دیدند. موقعیت ترکیه در ناتو و مطرح شدن بحث گسترش ناتو به شرق و نیز رقابت ترکیه و روسیه در قفقاز و آسیای مرکزی، بر تنش بیشتر روابط دو کشور می‌افزود. اما در سال‌های اخیر فضای روابط میان دو کشور تغییر کرده است. طی سال‌های اخیر روابط بین ترکیه و روسیه به طور چشم‌گیری گسترش یافته است. در حقیقت، در سال ۲۰۰۵، روابط بین دو کشور با توجه به پیشینه تاریخی، بهتر از هر زمان دیگری در طول سال‌های گذشته بوده است. از سال ۲۰۰۳ بدین سو، میان پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، ملاقات‌های متعددی انجام شده است و ضمن کاهش اختلاف‌نظرهای قبلی، آنها توانسته‌اند در خصوص برخی از زمینه‌های جدید به تفاهم و همکاری برسند. بیش از ۷۰ درصد واردات گاز ترکیه از روسیه انجام می‌گیرد و

بین دو کشور، در بستر دریای سیاه، یک لوله انتقال گاز صادراتی اختصاصی به نام «بلواستریم» وجود دارد. دو کشور اخیراً قرارداد جداگانه‌ای جهت گسترش تجارت انرژی امضا کرده‌اند. این قرارداد در صورت گسترش می‌تواند ترکیه را به کشوری کلیدی جهت گسترش ترانزیت گاز روسیه به اروپا تبدیل کند. حجم تجارت بین دو کشور به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. حجم تجارت بین دو کشور از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴، به ۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶، رسیده است و پیش‌بینی می‌شود که برای سال ۲۰۰۷، به ۲۵ میلیارد دلار برسد.^{۲۴} به طور کلی، می‌توان گفت که در سال‌های اخیر روسیه گام‌های مثبتی در جهت اعتمادسازی برداشته است که بتواند تا حدی ذهنیت منفی تاریخی را بازسازی کند.

رویکرد ترکیه نسبت به قبرس و سیاست

تنش‌زدایی با یونان

تنش‌زدایی با یونان و پرهیز از تندروی در قبال مسئله قبرس نیز یکی از موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه در حوزه سیاست خارجی به شمار می‌آید. حمایت از

عنوان اصل اول کمالیسم، موضعگیری سیاست خارجی ترکیه را در قبال منطقه تحت تأثیر قرار داده بود؛ به گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقه خاورمیانه در درجه دوم اهمیت برای سیاست خارجی ترکیه قرار گرفته بود. سیاست نگرش به غرب، همراه با کم‌توجهی به ملاحظات منطقه‌ای تا اوایل دهه ۱۹۶۰، ادامه یافت. در این زمان دستگاه سیاسی ترکیه با متغیرهای جدید داخلی و بین‌المللی مواجه شد که حاصل آن به فرآیندی جدید با گرایش‌های منطقه‌ای در سیاست‌گذاری خارجی ترکیه بود. به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه باعث شد که ترکیه توجه خود را به مسائل خاورمیانه بیشتر کند و درصدد برآید که نقش فعال‌تری در مسائل این منطقه ایفا کند. در مورد عملکرد موفق سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در مسائل خاورمیانه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش سطح روابط با اسرائیل از هم‌پیمانی به روابط عادی و در مقابل گسترش روابط با فلسطین

در حالی که روابط ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ به سطح بی سابقه‌ای افزایش یافته بود، پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، روابط این دو

گروه‌های میانه‌رو در قبرس شمالی و از میان برداشتن تحریم‌های اعمال شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی علیه قبرس شمالی، در دستور کار سیاست خارجی دولت اردوغان قرار داشته است. پس از قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، رویکرد این کشور نسبت به مسئله قبرس، به خصوص تحت فشار اروپا، تا حد قابل توجهی تغییر کرد و با تلاش دولت اردوغان نقش میانجی‌گرانه سازمان ملل و طرح کوفی عنان مورد پذیرش افکار عمومی و نخبگان کمالیست قرار گرفت. مهمترین تحول در سیاست خارجی ترکیه، در قبال قبرس، امضای سندی از سوی ترکیه بود که براساس آن، ترکیه اتحادیه گمرکی خود با اتحادیه اروپا را به تمام اعضای آن (و از جمله قبرس جنوبی) تسری می‌داد. در محافل دیپلماتیک، این اقدام به معنای شناسایی قبرس جنوبی از سوی ترکیه تلقی شد که یک حادثه بسیار مهم در سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شود.

سیاست ترکیه نسبت به تحولات خاورمیانه

با عنایت به فلسفه بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه، سیاست نگرش به غرب به

کشور تا حدودی دچار افت شد و در مقابل روابط ترکیه با فلسطینیان (و حتی دولت حماس که مورد تحریم دولت‌های غربی واقع شده بود) گسترش یافت. ترکیه به دولت حماس کمک کرد و علی‌رغم مخالفت شدید اسرائیل، وزیر خارجه ترکیه با هیأتی از اعضای حماس در ترکیه به مذاکره پرداخت. روابط اسرائیل با کردهای عراق و حمایت این کشور از فدرالیسم و استقلال کردها، مقامات ترکیه را به خشم آورد. مقامات اسرائیلی معتقدند که استقرار یک نظام فدرال در عراق به نفع اسرائیل است و یک کشور مستقل یا خود مختار کرد، دشمن اسرائیل نخواهد بود. نگرانی‌های منطقه‌ای اسرائیل در قبال کشورهای منطقه باعث شده است که این کشور در جست‌وجوی متحدی جدید در منطقه باشد و بهترین گزینه در این خصوص ایجاد یک دولت مستقل کرد در شمال عراق می‌باشد.^{۲۵}

حمایت ضمنی از حزب... در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل

اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، در اظهارات صریحی بعد از شروع بحران لبنان اعلام کرد: «تحوالات اخیر در لبنان و فلسطین کشورش را به تجدید نظر در مشارکت در طرح صلح خاورمیانه بزرگ و خواهد داشت. اقدامات اسرائیل غیر منصفانه و دور از وجدان است. تعدادی از قدرتهای

انتقاد از اقدامات خشن اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی

شروع انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۲، اثرات غیر منتظره‌ای بر روابط ترکیه و اسرائیل گذاشت. احساس شدید هم‌دردی مردم ترکیه با رنج و محنت فلسطینیان،

بزرگ از این اقدامات حمایت می‌کنند و تعدادی دیگر به تماشای رویدادها نشست‌اند.» اردوغان با تاکید بر لزوم برقراری آتش بس و اینکه روند فعلی زمینه جنگ تمدن‌ها را فراهم خواهد کرد، افزود: «فرزندان اسرائیل هر چقدر که ارزش داشته باشند، به همان اندازه فرزندان فلسطین نیز برای ما ارزش دارند».

روابط ایران و ترکیه در شرایط جدید

همان‌طور که بیان شد یکی از دلایل موفقیت مجدد حزب عدالت و توسعه، عملکرد موفق این حزب در عرصه سیاست خارجی بوده است. یکی از موارد این مسئله، گسترش روابط ترکیه با ایران است. دولت اردوغان همواره یک سیاست خارجی چند وجهی را دنبال کرده است، بدین معنی که ضمن داشتن روابط خوب و گسترده با آمریکا، اروپا و ناتو، علاقه‌مند است روابط خود را با دیگر کشورهای با نفوذ نیز گسترش دهد. روابط ایران و ترکیه طی چند سال گذشته از ثبات نسبی مناسبی برخوردار بوده است، ضمن آنکه برخی سوء تفاهمات میان دو کشور مرتفع شده است و طرفین توجه ویژه‌ای به اعتمادسازی مبذول داشته‌اند. در حال حاضر، زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و

فرزندان اسرائیل هر چقدر که ارزش داشته باشند، به همان اندازه فرزندان فلسطین نیز برای ما ارزش دارند».

- تنش‌زدایی با سوریه

در گذشته، تنش میان ترکیه و سوریه تا مرحله رویارویی نظامی پیش رفته بود. حتی در سال ۱۹۹۸، ترکیه، دمشق را تهدید کرد که اگر دست از حمایت از حزب پ.ک.ک بر ندارد، به خاک این کشور حمله خواهد کرد. رهبران حزب عدالت و توسعه با توجه به رویکرد خاورمیانه‌ای خود، روابطشان را با سوریه بهبود بخشیدند. ترکیه بدون توجه به نطق سالانه بوش در سال ۲۰۰۲، و قراردادن سوریه در «محور شرارت» و بدون توجه به فشار غرب پس از ترور رفیق حریری، مبنی بر قطع روابط با سوریه، روابط با سوریه را حفظ کرد و حتی اردوغان به

فرهنگی برای گسترش همکاری فیما بین بیش از گذشته به وجود آمده است. محورهایی در راهبرد سیاست خارجی دولت اردوغان وجود دارد - مانند همکاری با کشورهای اسلامی، اهمیت به مقوله انرژی و توجه بیشتر به اورآسیا - که می‌تواند زمینه‌ساز گسترش روابط دو کشور شود. تحولات منطقه به ویژه آینده عراق و همکاری‌های امنیتی برای تأمین امنیت مرزها نیز یکی دیگر از عرصه‌های همکاری تلقی می‌شود.

بسیاری از توافقاتی که قبلاً میان ایران و ترکیه صورت گرفته بود، در زمان اردوغان به اجرا گذاشته شد. مناسبات دو کشور ایران و ترکیه پس از روی کار آمدن دولت متعلق به حزب عدالت و توسعه، بیش از پیش گسترش پیدا کرد. تبادل هیأت‌های دولتی در سطوح مختلف و تفاهمات به عمل آمده موجب گسترش بیشتر روابط دو کشور شد و روابط نهادهای غیردولتی و بخش خصوصی دو طرف بر عمق این روابط افزود. به طور کلی، از سال ۲۰۰۱ به بعد، همکاری‌های دو کشور در عرصه‌های سیاسی، امنیتی،

فرهنگی و اقتصادی گسترش یافت و همکاری‌های دراز مدتی از قبیل برگزاری منظم کمیسیون‌های امنیتی مشترک برای تأمین امنیت مرزها و مبارزه با تروریسم، احداث و افتتاح خط لوله انتقال گاز طبیعی ایران به ترکیه و گسترش مناسبات فرهنگی و هنری پایه‌گذاری شد.

بر خلاف دوره زمامداری اربکان، گسترش روابط ایران و ترکیه در سال‌های اخیر مورد اعتراض جدی کمالیست‌ها واقع نشد. شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای به گونه‌ای در حال تحول بوده است که پیوند نزدیک‌تر میان ایران و ترکیه تأمین‌کننده منافع دو کشور به نظر می‌آمده است. نیاز مبرم ترکیه به منابع نفت و گاز ایران باعث شد که توافق ۱۹۹۶ با ایران اجرایی شود. در جریان دیدار اردوغان از ایران در ژوئیه ۲۰۰۴، موافقت نامه‌ای بین ایران و ترکیه امضا شد که طی آن هر دو کشور «پ.ک.ک» را یک سازمان تروریستی قلمداد کردند و پس از آن کوشش‌های مستمری به خرج دادند تا مرزهایشان را در مقابل اقدامات خرابکارانه آن حزب محافظت کنند.^{۲۹}

اورآسیا مرتبط می‌باشد. از این‌رو، ترکیه درصدد حفظ و گسترش روابط خود با کشورهای اورآسیایی، به ویژه ایران و روسیه، می‌باشد.

حال که در ترکیه دولت اردوغان تلاش می‌کند سیاست خارجی مستقلی داشته باشد، فرصت مناسبی خواهد بود که پیوندهای دو کشور ایران و ترکیه تقویت شود. همکاری در زمینه انرژی و انتقال آن به اروپا و ریزنی در خصوص تحولات خاورمیانه، افغانستان و عراق نیز می‌تواند در راستای منافع منطقه‌ای دو کشور باشد. حضور دو کشور در همکاری‌های جمعی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری اقتصادی* و ۸ کشور در حال توسعه** نیز فرصت دیگری خواهد بود که در رابطه با مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی بین آنها همکاری و هماهنگی لازم صورت پذیرد. تردیدی نیست که گسترش روابط همه‌جانبه میان ایران و ترکیه از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و می‌تواند به هر دو کشور کمک کند

ایران و ترکیه، هر دو به دلایل متفاوتی، مخالف نفوذ اسرائیل در عراق هستند. اسرائیل به رغم گسترش همکاری‌های خود با ترکیه، با سیاست‌های آنکارا در مورد کردها همراه نشده است. ترکیه به شدت نگران حمایت اسرائیل از خودمختاری کردها و حضور چند ده ساله این کشور در شمال عراق است، حتی این مسئله باعث شد سفر شارون به ترکیه در پاییز ۲۰۰۳، از سوی آنکارا لغو شود.^{۳۰} حساسیت ایران و ترکیه درباره هرگونه حرکت استقلال طلبانه در کردستان عراق، استراتژیک و عمیق است زیرا تهدید ناشی از به خطر افتادن تمامیت ارضی آنها و افزایش توقعات سیاسی کردهای ساکن در این کشورها جدی است. به همین دلیل ترکیه و ایران به رغم اختلاف دیدگاهی که درباره برخی مسائل منطقه‌ای یا در شیوه حکومت‌داری دارند، اما در زمینه مسائل کردستان اجماع نظر دارند.^{۳۱}

در سال‌های اخیر، دولت ترکیه در راهبرد سیاست خارجی خود توجه جدی به اورآسیا نشان داده است. برخی صاحب‌نظران ترک معتقدند سرنوشت ترکیه با تحولات

* ECI

** D-8

تا با بهره‌گیری از مزیت‌های روابط دو جانبه در خصوص تحولات منطقه و تهدیدات امنیتی، همکاری‌های بیشتری با یکدیگر به عمل آورند.

در مجموع، می‌توان گفت دولت اردوغان تلاش کرده است نوعی سیاست خارجی چند وجهی را دنبال کند؛ بدین معنا که در عین حفظ همکاری با اروپا و آمریکا، روابط خوبی نیز با دیگر قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه داشته باشد. گرایش سیاست خارجی ترکیه بیشتر به سوی استقلال عمل می‌باشد. نمونه روشن این سیاست را می‌توان در رد لایحه عبور سربازان آمریکایی از خاک ترکیه و امتناع این کشور از قرار دادن پایگاه‌های نظامی در اختیار آمریکا برای حمله به عراق ملاحظه کرد.

هدف ترکیه از گسترش روابط با کشورهای منطقه و قدرت‌هایی مانند روسیه و چین این است که در تعامل با اتحادیه اروپا در معادلات منطقه‌ای بر اعتبار خود بیفزاید. مجموعه اقدامات خارجی دولت اردوغان موجب شد روابط این دولت با کشورهای منطقه، کشورهای غربی و جهان اسلام گسترش یابد و شرایط جدید بین‌المللی

دولت ترکیه با اقبال عمومی در داخل کشور نیز مواجه شود.^{۳۲}

با وجود این، گرایش به سوی استقلال عمل و افزایش اعتبار دولت اسلام‌گرا در معادلات بین‌الملل، اهداف ساده‌ای به شمار نمی‌روند. از یاد نباید برد که ارزش سیاست خارجی در نمایش رفتارهای سلبی مثل امتناع از مذاکره، محکوم کردن دیگران و ابراز مخالفت نیست، بلکه در تحرکات اثباتی یعنی در طراحی‌ها، نهادسازی‌ها و ایجاد پویش‌های مشترک منطقه‌ای نهفته است. در این عرصه، دولت اسلام‌گرای ترکیه با چالشی اساسی مواجه شده است. در پرتو تحول عمده‌ای که در پایان سال ۲۰۰۷ صورت گرفت، تقریباً آشکار شده است که در حال حاضر فوری‌ترین هدف سیاست خارجی ترکیه خواباندن شورش حزب پ.ک.ک. در کوهستان‌های جنوب شرقی این کشور است. بر همین اساس بود که دولت ترکیه به لشکرکشی گسترده به شمال عراق مبادرت ورزید.

این اقدام ضمن آنکه دستاورد نظامی چندان برجسته‌ای به همراه نیاورد - حدود ۳۰۰ کشته از شورشیان و قتل ۲۰ تا یکصد

تحركات این سه بازیگر را با نگرانی نظاره و تفسیر کند.

احتمالاً دولت اسلام‌گرای ترکیه تحت تأثیر امواج افکار عمومی برای لشکرکشی گسترده زمینی اندکی عجله کرد؛ اقدام نظامی دولت اسلام‌گرا و خشونت‌ی که به خرج داد، تصور کمابیش مثبت توده کرد از دولت اسلام‌گرای ترکیه را خدشه‌دار کرد. در نزد این مردم، دولت اسلام‌گرای ترکیه اقدامی از جنس اقدامات همیشگی دولت لائیک ترکیه انجام داد. در واقع، دولت سابق لائیک ترکیه به خاطر تصورات غیرمنعطف خود از ملت و دولت ترکیه و به عبارت دیگر، بنابر منطق خاص خود نمی‌توانست اکراد مسلمان را به عنوان بخشی از جامعه ترکیه به رسمیت بشناسد. برخورد خشن و تحقیرآمیز با اکراد ناشی از ذات دولت لائیک بود و از اصول متصلب کمالیستی برمی‌خاست، اما اسلام‌گرایان ترکیه اسیر چنین منطق خشکی نیستند. آنها از نظر اعتقادی و از نظر جامعه شناختی، ظرفیت برخوردهای نرم‌تر و به همان اندازه مؤثرتری را با اکراد دارند. از سوی دیگر، اکراد نیز دریافتی مناسب‌تر از اسلام‌گرایان در قیاس با لائیک‌ها در ذهن خود دارند. دولت اسلام‌گرا نباید این مزیت بزرگ خود را از دست بدهد.

سرباز ترک - به تغییر فضای سیاسی در محیط پیرامونی ترکیه انجامید. هر چند دولت بوش در ابتدا این لشکرکشی را مورد تأیید قرار داد و حتی از حمایت‌های اطلاعاتی فراوان آمریکا بهره برد، اما سپس بوش تأکید کرد که عملیات نظامی ترکیه باید مشخص و کوتاه باشد،^{۳۳} در عمل نیز چنین شد. از سوی دیگر، حکومت خود مختار کرد و دولت عراق نیز خواستار عدم تجاوز به تمامیت ارضی عراق شدند. آمریکا به ترکیه این گونه القا کرد که مایل نیست دغدغه‌های امنیتی ترکیه را به صورت مستقل درک کند، بلکه همه چیز برای دولت آمریکا در چارچوب ثبات دولت در عراق و از طریق آن معنادار می‌شود.^{۳۴} گسیل نیروهای نظامی به شمال عراق، به افزایش اشتغالاتی ذهنی و دغدغه‌های دیپلماسی ترکیه در عرصه‌های دو جانبه و منطقه‌ای انجامید و پس از آن روابط ترکیه با آمریکا، عراق و اسرائیل، به سوی عدم قطعیت و شکوه و گلابه میل کرد. حمله به شمال عراق و تداوم جسته و گریخته آن، دیپلماسی ترکیه را منفعل ساخت؛ اینک ترکیه به جای آنکه ابتکار عمل را در دست باشد، ناچار است

دولت ترکیه می‌تواند با استفاده از این فرصت وارد گفت‌وگو با کردها شود، هر چند پیشرفت در این گفت‌وگوها ممکن است تدریجی باشد، اما تداوم گفت‌وگوها می‌تواند باعث گسترش درک متقابل و کاهش انگیزه‌های خصمانه گردد و زمینه‌های تفاهم را تدریجاً افزایش دهد. در این صورت است که می‌توان گفت وسیله تدریجاً به هدف تبدیل می‌شود. دولت اسلام‌گرا باید کمابیش مسیری را طی کند که پیش از آن ایران پیموده است؛ بدین معنی که راه‌حل مشکل شورشیان کردن نه در تحقیر آنان (راه حل کمالیستی)، بلکه در تکریم آنان نهفته است. اگر در پرتو گسترش مؤسسات مدنی و توسعه اقتصادی - اجتماعی، زندگی افراد ترکیه نهادینگی پیدا کند، تمایلات محافظه‌کارانه در نزد آنان تقویت و تمایلات انقلابی تضعیف می‌گردد و در نهایت ممکن است نتیجه تناقض‌آمیز پدید آید: جلوه‌های خودمختارانه در زندگی کردها تداوم یابد، بی‌آنکه معنایی سیاسی از آن به ذهن متبادر شود.

فرجام: تقابل گفتمان‌ها در ترکیه

دولت جدید در ترکیه از جنبه‌های مختلفی در تاریخ ترکیه یک تجربه منحصر

به فرد به شمار می‌آید. حزب عدالت و توسعه با در اختیار گرفتن هم‌زمان پست‌های ریاست جمهوری* و نخست‌وزیری که حاصل کسب اکثریت اعضای این حزب در انتخابات پارلمانی سال گذشته میلادی است، نخستین حزبی در تاریخ جدید ترکیه است که در دو انتخابات پیاپی، در دور دوم با آرای بیش از دور نخست اکثریت کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص می‌دهد. این مسئله فی‌نفسه حاکی از آن است که عملکرد این حزب در دور نخست به میزانی قابل رضایت بوده است که نه تنها از محبوبیت این حزب و مقام‌های آن کاسته نشده بلکه این محبوبیت افزایش نیز پیدا کرده است.

از سوی دیگر، پس از تجربه ناتمام ارکان در ترکیه، به نظر می‌رسد که تجربه

* هر چند رئیس‌جمهور اختیارات و مسئولیت‌های اجرایی چندانی ندارد، اما در موقعیتی قرار دارد که نهادهای سیاست‌گذاری و نظارتی تحت نظر او می‌توانند در توفیق یا شکست دولت مؤثر باشند. تعیین اعضای دادگاه قانون اساسی، فرماندهان کل ارتش، دادستان کل، شورای قضات، اعضای شورای عالی آموزش و رؤسای دانشگاه‌های دولتی از جمله مسئولیت‌های رئیس‌جمهور می‌باشد. ضمن اینکه اختیار رد یا تأیید مصوبات پارلمان نیز به عهده رئیس‌جمهور می‌باشد.

دولتی و فعالیت مدارس مذهبی امام خطیب تأکید کرده است و در نتیجه با مخالفت نهادهای لائیک روبه‌رو شده است. به نظر می‌رسد در شرایط جدید، با همسو شدن دولت، پارلمان و ریاست جمهوری، زمینه برای این گونه اصلاحات فراهم شود.

آنچه از عملکرد دولت و اظهارات رهبران حزب عدالت و توسعه برمی‌آید این است که یکی از اهداف آنها در شرایط جدید، گذار از لائیسزم به سکولاریسم بدون تقابل با ارتش و از مسیر قانونی می‌باشد که این به معنای گذار ترکیه از «مخالفت با مذهب» به «قبول مذهب در حوزه خصوصی» و قبول برخی نمادهای مذهبی برای آن است. به عبارت دیگر، دین در امور اجرایی و سیاست‌گذاری دولت به طور مستقیم دخالت ندارد، اما دولت به باورهای دینی افراد و گروه‌ها احترام می‌گذارد و آنها آزاد خواهند بود مطابق اعتقادات دینی خود در اجتماع رفتار کنند. در مجموع، می‌توان گفت که تجربه دولت اسلام‌گرا در ترکیه نشان داد که تفکر اسلامی برای سیاست داخلی و خارجی ترکیه برنامه دارد و از سوی دیگر با

حزب عدالت و توسعه به رغم تلاش‌های اخیر مقام‌های قضایی ترکیه برای انحلال این حزب، تجربه‌ای است که عملاً گفتمان کمالیستی در این کشور را از طریق روش‌های دموکراتیک و مسالمت‌جویانه به محقق برده و گفتمان تازه‌ای را در این کشور به منصف ظهور رسانده است.

حزب عدالت و توسعه می‌خواهد تعریف جدیدی از همزیستی عملی اسلام و مدرنیته در جامعه ترکیه ارائه دهد. ذکر این نکته ضروری است که برداشت این حزب از نقش اسلام در دولت و جامعه با آنچه در جمهوری اسلامی ایران حاکم است، متفاوت می‌باشد. اردوغان در اظهارات خود می‌گوید: «من لائیک نیستم، فرد نمی‌تواند لائیک باشد، بلکه این دولت و سیستم حکومتی است که باید لائیک باشد». او مقایسه اسلام و لائیسزم را مردود می‌داند و می‌گوید اسلام دین است، اما لائیسزم یک شیوه مملکت‌داری می‌باشد و نباید این دو را با یکدیگر مخلوط کرد. لذا در حوزه‌های فردی و اجتماعی آزادی دین و شعائر دینی باید وجود داشته باشد. براساس این تفکر است که دولت در سال‌های گذشته بر رفع ممنوعیت حجاب اسلامی در اماکن

قدرت‌گیری نیروهای دموکراتیک و اسلامی،
الگوی کمالیسم در حال تضعیف است.

اگر بخواهیم از نگاهی آکادمیک به
منابع مشروعیت دولت حزب عدالت و توسعه
در چشم مردم ترکیه بنگریم، باید به دو منبع
اصلی مشروعیت این گروه توجه کنیم: منابع
مشروعیت عینی و منابع مشروعیت ذهنی.

منابع مشروعیت عینی همان عملکرد موفق
این حزب در حوزه‌های مختلف است که در
مباحث قبل به آن پرداخته شد. اما منبع
دیگر مشروعیت این گروه، منابع مشروعیت
ذهنی است که از سه عنصر اصلی در
گفتمان این حزب نشأت می‌گیرد. این سه
عنصر عبارتند از:

۱. اراده به لاییک نبودن؛
۲. اراده به مسلمان معمولی بودن؛
۳. اراده به اسلامی‌سازی امور.^{۳۵}

اراده به لاییک نبودن موضوعی سلبی
در سیاست ترکیه است، اما با این حال مهم
است، زیرا بیانگر گرایش جامعه ترکیه به
گسست از تاریخ ۸۰ سال گذشته خود
می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت
ایدئولوژی حاکم بر ترکیه پس از ۸۰ سال،
استیلاي خود را از دست داده است؛ اینک

جداسازی ماهرانه حوزه‌های دین و اجتماع از
یکدیگر وجود خارجی ندارد. پیروزی حزب
عدالت و توسعه برای فرد ترک نماد گسست
از یک نحوه زیست سیاسی، اجتماعی و
فکری است. این یکی از منابع مهم اعتبار
سیاسی حزب اعتدال و توسعه به حساب
می‌آید.

اراده به یک مسلمان معمولی بودن و
تحت این عنوان حق زیست داشتن، در ایران
امری بدیهی و معمولی به شمار می‌رود که
هیچ توجهی را بر نمی‌انگیزد، اما در ترکیه‌ای
که یک کارمند دولت فقط در دستشویی
اداره می‌توانست به ادای فریضه دینی خود
بپردازد، امکان اینکه یک مسلمان معمولی
بدون زحمت بتواند همچون یک مسلمان
معمولی زندگی کند، امری انقلابی و الهام
آفرین است.

مورد سوم از موارد قبلی مهمتر است.
اراده به اسلامی کردن جامعه و سیاست
می‌تواند فاقد هر گونه محتوای ایدئولوژیکی و
نظری باشد، اما با این حال مهم است. آنچه
در این میان مهم به نظر می‌رسد اراده
عمومی به متبلور شدن دیانت در عرصه
عمومی (در هنگام ماه رمضان، عید ولادت

پیامبر «ص»، عید قربان و غیره) و نه دینی شدن ایدئولوژیک امور می‌باشد، بدین معنا که کلیه ابعاد زیست اجتماعی ماهیت دینی محض به خود بگیرند. کوشش برای دینی شدن جامعه می‌تواند به دینی شدن جامعه نینجامد، اما می‌تواند به چشم بیاید. درک «جامعه اسلامی» به لحاظ نظری اندکی دشوار است، اما به آسانی می‌توان جامعه‌ای را در نظر آورد که در آن تنظیم شعائر مذهبی، رسوم و اعیاد دینی رونق و رواج داشته باشد.

اسلامی کردن، در واقع، کوشش‌های عملی و موردی برای اسلامی کردن است. کافی است که اراده اجرای «تفکر اسلامی» وجود داشته باشد تا در عمل بتواند ابعاد نسبی‌گرایانه بیابد. اراده معطوف به اسلامی

کردن می‌تواند معطوف به نتیجه نباشد، اما با این حال وجود داشته باشد. در این معنا، حزب عدالت و توسعه مردم ترکیه را مجاب ساخته است که حزبی برای اسلامی کردن امور است و انحصاراً از این حیث است که نیروی اجتماعی فراوانی برای خود کسب کرده است.^{۳۶}

1- Sencer Ayata "Patronage, Party and State: The Politicization of Islam in Turkey", Middle East Journal, Vol. 50, No. 1 (Winter 1996), p. 41.

۲- محمد رضا حیدرزاده نائینی، تعامل دین و دولت در ترکیه، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۸۰)، صص ۸۹-۸۸.

- ۳- محمد نورالدین، ترکیه جمهوری سرگردان؛ بررسی روابط دینداران و سکولارها در جامعه ترکیه، ترجمه سید حسین موسوی، (تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه ۱۳۸۳)، صص ۱۷۶-۱۷۷.
- ۴ - همان.
- ۵ - محمود واعظی، میانه روهای کارآمد؛ علل پیروزی اسلام‌گرایان در ترکیه و پیامدهای آن، ماهنامه هم‌شهری دیپلماتیک، شماره ۱۷، (نیمه شهریور ۱۳۸۶)، ص: ۴.
- 6 - Anat Lapidot, *Islamic Activism in Turkey Since 1980 Military Takeover, in Religious Radicalism in the Greater Middle East, Edited by Bruce Maddy Weitzman and Ephraim Ember, (London: Frank Cases, 1997), P. 88.*
- 7 - Irvin Cemil Schick and Ertugrul Ahmet Tonak, *Turkey in Transition, (Oxford: Oxford University Press, 1987), p. 218.*
- ۸- واعظی، پیشین، ص ۵.
- ۹ - در مورد موفقیت‌های اقتصادی حزب عدالت و توسعه نگاه کنید به واعظی، پیشین، ص ۵.
- ۱۰- نگاه کنید به: جمع‌بندی نودمین نشست تخصصی معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، پیروزی مجدد اسلام‌گرایان در ترکیه و آینده سیاست خارجی این کشور، (مهرماه ۱۳۸۶)، صص ۳-۴.
- ۱۱- واعظی، پیشین.
- 12 - See, David L. Philips, "Turkey's Dream and Accession", *Foreign Affairs* (September – October 2004).
- ۱۳- جمع‌بندی نودمین نشست تخصصی معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، پیشین، ص ۸.
- ۱۴- نورالدین، پیشین، صص ۱۷۹-۱۷۸.
- 15 - Ibid.
- 16 - Micheal Rubin, *Turkey's Turnning Point National Review Online, (April 14, 2008).*
- 17- Philip Robins, *Turkish Foreign Policy Since 2002: between a post-islamist government and a Kemalist state, International Affairs, vol. 83 (2007), p*
- 18 - "Turkish Nationalism: Waving Ataturk's Flag", *Economist, March 2007, pp. 45- 60.*
- 19 - Daniel Pipes “ Turkey, Iraq & Mosul ”, *Middle East Quarterly, No 3,(September, 1995) , p. 66.*
- 20 -F. Stephen Larrabee, *Turkey Rediscovered the Middle East, Foreign Affairs, vol. 86, No. 4, (July/August 2007), p. 106*
- 21 - *Turkey Lashes Out at U.S. Lawmakers for Armenian 'Genocide' Measure,*

Affairs, Vol. 86, No. 4, (July/August 2007), p. 110.

28 - Ibid, p. 109.

29 - Ibid, p. 107.

۳۰- رحمن قهرمانپور، «تحولات ترکیه و چالش‌های آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، در امنیت بین‌الملل (۱) فرصت‌ها و تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، علی‌عبدالله خانی و دیگران، تهران؛ مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۷۲.

۳۱- وجیهه مهری پور، ترکیه و تحولات عراق: با تأکید بر مسئله کردستان، گزارش تحلیلی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (اردیبهشت ماه ۸۶)، ص ۱۸.

۳۲- جمع بندی نودمین نشست تخصصی معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، پیشین، صص ۴-۵.

33 - BBC NEWS, Europe, Turkey Must End Iraq Raid (Nove 1, 2007).

34 - Ibid

۳۵- واعظی، پیشین، ص ۶.

۳۶- همان.

available at:
http://www.pbs.org/newshour/bb/middle_east/july-dec07/turkey_10-11.html

22 - Mustsfa Kibaroglu, Turkish Concerns about the State Building Efforts in Iraq, The Iranian Journal of International Affairs, vol. XVIII, No. 4, pp. 446-447.

23 - "An Inhouse Debate on the Future of Iraq", Foreign Policy Institute, 6 March 2007.

24 - Fiona Hill and Omer Taspinar, Russia and Turkey in the Caucasus: Moving Together to Preserve the Status Quo ? Available at:http://www.brookings.edu/views/papers/fellows/hilltaspinar_20060120.pdf

25 - Mahmood Sariolghalam, The Conceptual Consequences of the New Iraq for Iran, Discourse, Vol. 5, No. 1,(Summer 2003), pp. 258- 260.

26 - Turkey pays price for Ecevit blunder, Briefing, No. 1389, 15 April 2002.

27 - F. Stephen Larrabee, Turkey Rediscovered the Middle East, Foreign